

بانوان محلات بالاخیابان و پایین خیابان با پخت غذاهای خانگی، عطر همسایگی را زنده کردند

طعم غذای مادر



لیورا تزیین کردیم و همان جابود که برای شرکت در این مسابقه از تزیین لیوها ایده گرفتم. فاطمه ناجی همراه دخترش از محله بالاخیابان در این مسابقه شرکت کرده است. خورش قیمه بادمجان درست کرده است و خانم هاپس از چشیدن آن، دستور پخت را از او می خواهند.

● مزه های متفاوت

بعضی خانم ها که حوصله بیشتری داشته اند، چند مدل غذا برای مسابقه درست کرده اند. زهره اسلامی، دختر فاطمه خانم، پیراشکی و کوکوشیرین آورده و ظرف غذا را به قدری زیبا تزیین کرده که نظر داوران و شرکت کنندگان دیگر را به سمت خود کشانده است. زهرا فیاضی کیک مرغ، کوکوشیرین و شیرینی خشک فانتزی درست کرده و لیلا جعفری کته، ترشی و زیتون دورچین و مزه های شمالی را در کنار باقلا قاتق آورده است. لیلا خانم بالهجه شمالی اش می گوید: من غذاهای سنتی زیادی بلدم، اما با خورش مخصوص شمال کشور شرکت کردم که برای داورها و همسایه هایمان طعمی متفاوت و جدید است.

در پایان پنج نفر که دست پختشان از نظر داوران بهترین مزه و تزیین را داشت، به عنوان برنده های مسابقه اعلام شدند و هدایایی نیز از طرف ناحیه بسیج به آن ها تقدیم شد. مریم صفار با کشک و بادمجان، لیلا جعفری با باقلا قاتق، زهره اسلامی با کوکوشیرین، زهرارؤیایی با کوکو کد و حلوائی و زهرا فیاضی با کوکوشیرین برنده های این مسابقه پرهیجان بودند.

تکتم زحمتکش ادامه می دهد: تعداد شرکت کنندگان در جشنواره غذا زیاد نیست و تقریباً پانزده نفر شرکت کرده اند، اما افرادی که برای دیدن مسابقه، چشیدن غذا و تشویق همسایه هایشان حاضر شده اند، زیاد هستند. همین حضور برای ما قابل قبول است.

دیس لوبیا پلو چشم بلبل را سمیرا ذره پرور آورده، اعظم کیانی کشک زرد جنوب خراسان را به یاد سفره های قدیم در یک قابلمه سفالی ریخته و ظرف بزرگ لیورا زهرارؤیایی از محله پایین خیابان آورده است. آرا می در حالی که سلفون روی ظرف را باز و دور تا دور به همه تعارف می کند، می گوید: دخترم در دوران عقد است و به رسم شب چله برای او مراسمی گرفتیم. با کمک همسایه مان میز میوه و

نجمه موسوی کاهانی آروی میز بزرگی که در طبقه پایین خانه گوهرشاد در خیابان هاتف محله بالاخیابان برای مسابقه آشپزی مهیا شده است، غذاهای ساده اما رنگارنگ و زیبا پخته شده اند. بوی کشک و بادمجان و کوفته در هوا پیچیده است و رنگ قرمز لبوو کوکوهای زرد و سبز با تزیین پسته و بادام جلوه خاصی دارد. بچه هادور میز می چرخند. هیجان چشیدن غذا آن ها را به وجد آورده است و از هم می پرسند پس کی غذاها را می خوریم؟ این انتظار تا بعد از نماز ظهر ادامه دارد و وقتی برنده های مسابقه اعلام می شوند، نوبت به چشیدن غذا می رسد و ساعتی روزی پراز مزه های متفاوت برای بچه هایی که همراه مادر و مادر بزرگشان به این مسابقه آمده اند: مسابقه ای که ناحیه ۸ مالک تدارک دیده است تا بایک تیر دو نشان بزند: برگزاری یک رویداد مردمی و ایجاد حس شور و مشارکت در میان بانوان منطقه و همچنین معرفی خانه گوهرشاد به عنوان یک فضای مذهبی خانوادگی که می تواند بستر برگزاری بسیاری از رویداد های فرهنگی اهالی این منطقه باشد.

● یک مسابقه خوش مزه

فرمانده حوزه ۸ الزهر که یکی از مسئولان برگزاری مسابقه است، می گوید: در پایگاه های بسیج و مساجد منطقه فراخوان دادیم که هر کس با هر غذایی که دوست دارد، در این برنامه مادرانه شرکت کند. مدنظر ما هر دو محله بالاخیابان و پایین خیابان بود.



همسایه به همسایه، خیابان رضوان، دیدار نوزدهم

هنوز کمی از همدلی های قدیم مانده

نجمه موسوی کاهانی آکوچه های باصفای ته پل محله از بین رفت و بولوارهای عریض جای آن ها را گرفت. اما هنوز همسایه های قدیمی حال هم را می پرسند و مانند قدیم در جریان اوضاع زندگی هم قرار می گیرند. در بولوار رضوان همسایه های بیشتر از اینکه به خانه هم بروند، در روضه های خانگی که هنوز به سبک قدیم پا بر جاست، از احوال هم با خبر می شوند. خانم های محله بالاخیابان را کمتر می توان در کوچه و بازار پیدا کرد. صدیقه حسین پور، فاطمه محمدزاده و نسرين لعل شاطری سه همسایه ای هستند که بیش از سی سال در همین کوچه ها زندگی کرده اند و اکنون از رسم و رسوم همسایه داری قدیم و جدید محله بالاخیابان می گویند.

● به یاد سحر و افطار قدیم

لعل شاطری فاطمه خانم محمدزاده رانشان می دهد و می گوید: ما از بزرگ ترها خیلی چیزها یاد گرفته ایم؛ مثلاً این همسایه مان وقتی جلسات بسیج برگزار می شود، نمی گذارد حتی یک استکان روی زمین بماند. خیلی آرام و باتواضع سینی به دست می گیرد و پذیرایی می کند. بعد هم تا آخرین استکان را می شوید و می رود.

فاطمه خانم سی سال است در بالاخیابان زندگی می کند. او می گوید: الان فقط در برنامه های بسیج کمک می کنم، اما قدیم خیلی فرق داشت. به هر بهانه ای مردم سفره می انداختند و فامیل و همسایه ها را دعوت می کردند. سفره های ماه رمضان در عین سادگی پررنگ و لعاب بود و همه همسایه ها افطار دعوت می کردند.

آن موقع خیلی بیشتر به هم کمک می کردیم. برای سحری حواسمان بود همسایه هایمان را هم بیدار کنیم. آواز گذشته ها که رفت و آمد زیاد بود، یاد می کند و ادامه می دهد: الان خیلی از قدیمی ها رفته اند و محله آن شور و حال گذشته را ندارد، اما به اندازه همین روضه های خانگی و جلسات بسیج سعی می کنیم آنچه در توان داریم، انجام دهیم.

● در مجالس به بچه ها مسئولیت می دهیم

وقتی سراغ یک خانم کارا را می گیریم، اولین کسی که انگشت هابه سمتش می رود، نسرين لعل شاطری است؛ خانم جوانی که مسئولیت های سنگین را در مراسم های مذهبی به عهده می گیرد. نسرين خانم که در همین محله به دنیا آمده و در خانواده ای مذهبی بزرگ شده است، می گوید: تنها جایی که بدون محدودیت می رفتیم، حرم بود. خانوادگی راه می افتادیم به سمت حرم. تا چشممان به گنبد می افتاد، هر جاکه بودیم، می ایستادیم و به حضرت سلام می دادیم و بعد ادامه راه را طی می کردیم. نسرين خانم ادامه می دهد: مراسم هانیاز به یک نفر برای هماهنگ کردن پذیرایی دارد. من هم در تکیه علی اکبری ها خدمتگزار اهل بیت (ع) هستم و در جلسات هفتگی شب های چهارشنبه مسئولیت تدارکات و مدیریت پذیرایی را بر عهده می گیرم. این جلسه ها در خانه همسایه ها برگزار می شود و خودشان هم بانی پذیرایی هستند. لعل شاطری محله اش را مانند وطن دوست دارد و می افزاید: بین دخترهای جوان تقسیم کار می کنم تا روضه ها و مجالس به بهترین شکل برگزار شود.



● در خوشی و ناخوشی

هوای هم را داریم

همسایه دیگری که دست خیرش زبانه زد همه است، صدیقه حسین پور است که از سال ۱۳۶۶ در بالاخیابان زندگی می کند. صدیقه خانم می گوید: درست است که رفت و آمدها مثل قدیم نیست، اما هنوز هم از هم با خبریم. اگر کسی مریض شود، یک قابلمه سوپ برایش درست می کنیم و دارو و آرایش را تهیه می کنیم.

او به دوستی های عمیق مانند دوستی خودش با ربابه رحیمی اشاره می کند و ادامه می دهد: این همسایه ام هم ولایتی خودم است. در خوشی و ناخوشی حواسمان به هم هست.

دیگر مثل گذشته به خانه هم نمی رویم، اما اگر سبزی پاک کنیم یا دیگ آشی بار بگذاریم، همسایه را فراموش نمی کنیم.

